

## روزه پنجاهه

### لیکن این جنس شریر جز به دعا و روزه بیرون نمی رود

پول پرستی و قدرت طلبی بود که با داشتن یک زندگی پارسا، فقیر و فروتن از آنها پیروزمندانه بیرون آمد. عیسی در مدت ۴۰ روز که در بیابان به روزه و دعا مشغول بودند قدرت کلام خدا در زندگی احساس کرد و تجربه نمود. همچنین همه مقدسین کلیسا از راه دعای مداوم و روزه گرفتن به وسوسه های شیطان و جنس شریر پیروز گشته و به درجه والای قداست رسیدند. روزه گرفتن و دعا خواندن این پیام را به ما میرساند که زندگی هر ایماندار مسیحی یک نبرد و مبارزه است با نیروهای شریر این جهان که از هر سو می خواهند به او حمله کرده و او را فریب دهند و همچنین این حقیقت را اعلام میدارند که دعا و روزه دو تا ابزار بسیار فعال و مؤثر جهت شکست دادن دشمن هستند. "وقتی عیسی از دعا برخاست و پیش شاگردان آمد، آنان را دید که در اثر غم و اندوه به خواب رفته بودند به ایشان فرمود: خواب هستید؟ برخیزید و دعا کنید تا از وسوسه ها دور بمانید" (انجیل لوقا باب ۲۲ آیه ۲۵-۲۶).

دعا و روزه یک ضرورت حیاتی است که باید در زندگی هر فرد مسیحی ریشه بدواند و رشد کند تا بارور و ثمر بخش باشد.

دوستان گرامی، تیترا این مقاله آیه ای است که از انجیل متی باب ۱۷ آیه ۱۲ گرفته شده است. آیه فوق بر اهمیت دعا و روزه جهت راندن ارواح بد و شریر تأکید می نماید. منظور از ارواح بد و شریر همان وسوسه هایی است که سعی بر آن دارند تا ما را از انجام دادن اراده خدا منصرف کرده و مرتکب گناه شویم. زمان روزه بزرگ که اکنون در آن بسر می بریم بهترین موقعیتی است تا اینکه بهتر و عمیقتر از نیروی دعا و روزه آگاه بوده و از فیض و برکات آن بهره مند شویم. انجیل مقدس به ما یاد آوری می کند که خداوند ما عیسی مسیح چهل شبانه روز در بیابان در دعا و روزه سپری کرد و در نهایت شیطان او را وسوسه کرد، اما چون او نسبت به کلام خدا وفادار ماند به شیطان غلبه کرد و راه خود را تا آخر که به مرگ و رستاخیز منجر گردید پیمود (رجوع شود به انجیل متی باب ۴ آیه ۱-۱۱).

وسوسه های عیسی چگونگی مسیح بودن پسر خدا آشکار می سازد. بر خلاف آنچه شیطان به او پیشنهاد می کند عمل می نماید. ایشان آن خادم رنج دیده است که با اطاعت از کلام خدا فیض نجات ابدی و زندگی جاویدان را به همه مردم ارزانی داشت. عیسی آن آدم جدیدی است، او برخلاف آدم نخستین که به هنگام وسوسه شدن سقوط کرد، تسلیم محض اراده پدر آسمانی گشت و تا آخر وفادار ماند. سه تا وسوسه که سرور و نجات دهنده ما با آن مواجه شد عبارت است از وسوسه لذت جویی،

دوستان عزیز ، کلیسای مقدس ، مادر و مربی ما ، توسط مراسم دعا و نیایش که در طول روزه پنجاهه برگزار می نماید به ما یاد آوری میکند که زمان روزه ، زمان توبه و بازگشت بسوی خدا می باشد. امروز ما نیز در برابر وسوسه های گوناگون و جنس شریر قرار گرفته ایم و بعلت ضعف ایمان ما در این وسوسه ها سقوط می کنیم و مرتکب گناه می شویم . بنابراین از این ایام پر فیض و برکت روزه استفاده کرده تا اینکه یک تحول مثبت و امید بخشی را در زندگی خود ایجاد نماییم . اگر چه پرهیز از خوردن برخی مأكولات از قبیل گوشت و فرآورده های چربی خوب و مفید است ، چون از این راه می توانیم به غرائز جسمانی خود تسلط کنیم و به یاد کسانی باشیم که از گرسنگی رنج می برند و می میرند ، اما این هرگز کافی نیست تا روزه ما پسندیده خدا و طبق تعالیم انجیل مقدس باشد. خداوند ما عیسی مسیح می فرماید: "چیزی نیست که از خارج وارد وجود انسان شود و او را ناپاک سازد. آنچه آدمی را ناپاک می سازد چیزهایی است که از وجود او صادر میشود ... چون افکار بد از دل بیرون می آید ، یعنی فسق ، دزدی ، آدمکشی ، زنا ، طمع ، خباثت ، فریب ، هرزگی ، حسادت ، تهمت ، خود بینی و حماقت . اینها از درون می آیند و انسان را ناپاک می سازند" (انجیل مرقس باب ۷ آیه ۱۵-۱۶ و ۲۱-۲۳).

در ضمن عیسی مسیح ما را از روزه ایکه هدفش تظاهر و خودنمایی باشد شدیداً برحذر میدارد ، در این باره ایشان می فرماید: "وقتی روزه می گیرید مانند ریاکاران ، خودتان را پریشان نشان ندهید ، آنان قیافه های خود را تغییر میدهند تا روزه بودنشان به رخ دیگران بکشند و یقین بدانید که آنها اجر خود را یافته اند" (انجیل متی باب ۶ آیه ۱۶).

طبق آیات فوق ، روزه برای ما مسیحیان فرصتی است بسیار مناسب تا اینکه زندگی خود را در نور کلام خدا تفحص کرده و آنرا با فیض و کمک روح القدس از هرگونه

گناه و بدی را نگهداریم . همچنین روزه گرفتن باید نوعی تمرین روحانی باشد برای تقویت ایمان و کسب تجربیات روحانی که از ما شاهدان مسیح زنده می سازند. اما اگر روزه زمان نزدیک شدن به خدا و توبه کردن می باشد زمان نزدیک شدن به فقرا و نیازمندان نیز است . چنانکه میدانیم محبت یگانه فرمان نوین خداوند ما عیسی مسیح می باشد. فقط محبت است که به کارها و اعمال ما ارزش میدهد ، بنابراین لازمه محبت خدا ، محبت به نیازمندان و بینوایان است . یوحنا رسول در رساله اولش می نویسد: "اگر بگوئیم : من خدا را دوست دارم ، در حالیکه از دیگری خود نفرت داریم دروغگو هستیم ، زیرا اگر کسانی را که می بینیم محبت نمی کنیم ، محال است خدایی را که ندیده ایم محبت نمائیم . فرمانی که او به ما داده است چنین است: هر که خدا را دوست دارد باید دیگران را نیز دوست بدارد" (باب ۴ آیه ۲۰-۲۱).

خوب است بدانیم که دعا کردن ، روزه گرفتن و صدقه دادن سه تا رکن مهم زندگی ما مسیحیان تشکیل میدهند. از روح القدس بخواهیم تا در طول روزه امسال بدین سه فرائض مهم و مقدس جامه عمل را بپوشانیم تا روزه ما مورد قبول خدا بوده و منشأ فیض و برکات برای زندگیمان باشد.

**روزه همه شما عزیزان مبارک باد .**

**خدمتگزار شما**

**رمزی گرمو**

**اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران**

## متشکرم

چند روز پیش ، "یولیا واسیلی اوئا" پرستار بچه‌هایم را به اتاقم دعوت کردم تا با او تسویه حساب کنم. به او گفتم: بنشینید یولیا ؛ می‌دانم که دست و بالتان خالی است، اما رو در بایستی دارید و به زبان نمی‌آورید. ببینید، ما توافق کردیم که ماهی سی روبل به شما بدهم. این طور نیست؟

- چهل روبل.

- نه من یادداشت کرده‌ام ، من همیشه به پرستار بچه‌هایم سی روبل می‌دهم. حالا به من توجه کنید. شما دو ماه برای من کار کردید.

- دو ماه و پنج روز دقیقاً.

- دو ماه ، من یادداشت کرده‌ام، که می‌شود شصت روبل. البته باید نه تا یکشنبه از آن کسر کرد. همان طور که می‌دانید یکشنبه‌ها مواظب "کولیا" نبوده‌اید و برای قدم زدن بیرون می‌رفتید. به اضافه سه روز تعطیلی...

"یولیا واسیلی اوئا" از خجالت سرخ شده بود و داشت با چین‌های لباسش بازی می‌کرد ولی صدایش در نمی‌آمد. سه تعطیلی. پس ما دوازده روبل را برای سه تعطیلی و نه یکشنبه می‌گذاریم کنار... "کولیا" چهار روز مریض بود. آن روزها از او مراقبت نکردید و فقط مواظب "وانیا" بودید. فقط "وانیا" و دیگر این که سه روز هم شما دندان درد داشتید و همسرم به شما اجازه داد بعد از شام دور از بچه‌ها باشید. دوازده و هفت می‌شود نوزده. تفریق کنید. آن مرخصی‌ها، آهان شصت منهای نوزده روبل می‌ماند چهل و یک روبل. درسته؟

- چشم چپ یولیا قرمز و پر از اشک شده بود. چانه‌اش می‌لرزید. شروع کرد به سرفه کردن‌های عصبی. دماغش را بالا کشید و چیزی نگفت.

و بعد، نزدیک سال نو، شما یک فنجان و یک نعلبکی شکستید. دو روبل کسر کنید. فنجان با ارزش‌تر از اینها بود. ارثیه بود. اما کاری به این موضوع نداریم. قرار است به همه حساب‌ها رسیدگی کنیم و... اما موارد دیگر... به خاطر بی‌مبالاتی شما "کولیا" از یک درخت بالا رفت و کتتش را پاره کرد. ده تا کسر کنید... همچنین بی‌توجهی شما باعث شد کلفت خانه با کفش‌های "وانیا" فرار کند. شما می‌بایست چشم‌هایتان را خوب باز می‌کردید. برای این کار موجب خوبی می‌گیرید. پس پنج تای دیگر کم می‌کنیم... دردهم ژانویه ده روبل از من گرفتید...

یولیا نجوا کنان گفت:

- من نگرفتم.

اما من یادداشت کرده‌ام... خیلی خوب. شما شاید... از چهل و یک روبل، بیست و هفت تا که برداریم، چهارده تا باقی می‌ماند. چشم‌هایش پر از اشک شده بود و چهره عرق کرده‌اش رقت آور به نظر می‌رسید. در این حال گفت:

- من فقط مقدار کمی گرفتم... سه روبل از همسرتان گرفتم نه بیشتر.

- دیدی چه طور شد؟ من اصلاً آن سه روبل را از قلم انداخته بودم. سه تا از چهارده تا کم می‌کنیم. می‌شود یازده تا... بفرمائید، سه تا، سه تا، سه تا، یکی و یکی.

یازده روبل به او دادم. آنها را با انگشتان لرزان گرفت و توی جیبش ریخت و به آهستگی گفت:

-متشکرم.

جا خوردم. در حالی که سخت عصبانی شده بودم شروع کردم به قدم زدن در طول و عرض اتاق و پرسیدم:

چرا گفתי متشکرم؟

-به خاطر پول.

-یعنی تو متوجه نشدی که دارم سرت کلاه می‌گذارم و دارم پولت را می‌خورم؟! تنها چیزی که می‌توانی بگویی همین است که متشکرم!؟

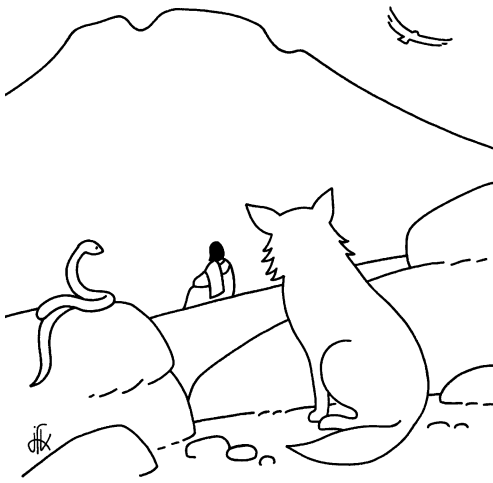
-در جاهای دیگر همین قدر هم ندادند.

-آنها به شما چیزی ندادند! خیلی خوب. تعجب ندارد. من داشتم به شما حقه می‌زدم. یک حقه کثیف. حالا من به شما هشتاد روبل می‌دهم. همه‌اش در این پاکت مرتب چیده شده، بگیری... اما ممکن است کسی این قدر نادان باشد؟ چرا اعتراض نکردید؟ چرا صدایتان در نیامد؟ ممکن است کسی توی دنیا اینقدر ضعیف باشد؟

لبخند تلخی زد که یعنی "بله، ممکن است".

به خاطر بازی بی‌رحمانه‌ای که با او کرده بودم عذر خواستم و هشتاد روبلی را که برایش خیلی غیر منتظره بود به او پرداختم. باز هم چند مرتبه با ترس گفت:

-متشکرم. متشکرم.



## عیسی در مقابل شیطان ایستادگی می کند

(انجیل متی ۴/۱-۱۱)

برای عیسی مسیح لحظات بسیار سختی است

او تنها در بیابان می باشد

ظاهراً چیزی نیست اما در حقیقت

شیطان عیسی را آزمایش می کند.

\* ۱ چهل روز و چهل شب در بیابان:

عیسی با این کار می خواست که خدا هر چه بیشتر در زندگی جا داشته باشد.

قوم اسرائیل نیز به رهبری موسی به بیابان رفته و چهل سال دچار آزمایشات زیادی شد.

\* ۲ شیطان:

ما قادر نیستیم با چشمانمان او را ببینیم. اما هرچه که انسانها را از هم دور کند، از شیطان می آید. هرچه که باعث شود انسان از خدا دور شود از شیطان می آید.

\* ۳ اگر تو پسر خدا هستی:

شیطان خیلی خوب می دانست که عیسی کیست اما می خواست کاری کند که عیسی از "پدر" دور شود.

\* ۴ کلام خدا: یا همان کتاب مقدس:

عیسی کلام خدا را خیلی خوب می شناخت چون از کودکی آن را آموخته بود. عیسی بر حسب کلام خدا زندگی می کرد و به همین دلیل در مقابل نیروی بدی قدرت زیادی داشت.

\* ۵ اگر تو در برابر من خم شوی و مرا پرستی:

فقط خدا را باید پرستید. اما شیطان سعی می کند تا جای خدا را در زندگی انسانها بگیرد بدترین چیز برای عیسی و برای همه ما این است که چیزی یا کسی را بالاتر از خدا در زندگیمان قرار دهیم.

\* ۶ دور شو ای شیطان:

عیسی مسیح توانست شیطان را دور کند چون در کلام و رفتارش نشان داد که خدا را بیش از هر چیز و هر کس دیگری در زندگی دوست می دارد.

\* ۱ چهل روز و چهل شب عیسی در بیابان تنها ماند و چیزی نخورد. روح خدا او را به بیابان برد تا \* ۲ شیطان او را آزمایش کند. بالاخره عیسی گرسنه شد. شیطان به او نزدیک شد تا وسوسه اش کند. او به عیسی گفت: \* ۳ «اگر تو پسر خدا هستی بگو تا این سنگها به نان تبدیل شوند». عیسی به شیطان جواب داد: \* ۴ «در کلام خدا نوشته شده انسان فقط به نان زندگی نمی کند بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر شود.

بعد شیطان، عیسی را به شهر مقدس اورشلیم، بر پشت بام معبد برد و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خودت را از این بالا به پائین بیانداز زیرا در کلام خدا آمده که فرشتگان ترا بر دستهایشان خواهند گرفت تا پایت به سنگی نخورد».

در اینجا شیطان هم از کلام خدا استفاده می کند اما برای اینکه عیسی را از خدا جدا سازد. این حقیقت دارد که خدا مواظب همه کسانی است که به او توکل دارند، اما نه در هر کاری که انسان بخواهد انجام دهد. چون هر کاری پسندیده خدا نیست.

عیسی به شیطان گفت: «در کلام خدا همچنین آمده است که خداوند، خدای خود را آزمایش نکن!»

شیطان عیسی را به بالای کوه بلندی برد و از آنجا همه ثروت جهان را به او نشان داد و گفت: \* ۵ «اگر تو در برابر من خم شوی و مرا پرستی، من همه ثروت دنیا را به تو می بخشم».

عیسی گفت: \* ۶ «دور شو ای شیطان! زیرا در کتاب مقدس آمده است فقط خدا را پرست و او را عبادت نما!»

آنگاه شیطان از عیسی دور شد. فرشتگان نزد عیسی آمدند و او را غذا داده بعد از آن عیسی به میان مردم رفت.

## پرواز

پسر کوچکی بود که رویای پرواز داشت و آرزو می کرد که بتواند مانند پرندگان در آسمان به پرواز درآید. هرچه بزرگ ترها به او توضیح می دادند که انسان قادر به پرواز نیست ، او نمی توانست درک کند که چرا پرندگانی که از او هم بزرگ تر هستند می توانند پرواز کنند و او نمی تواند.



روزی او به پارک نزدیک خانه شان رفت. در آنجا پسری را دید که به دلیل بیماری فلج اطفال قادر به راه رفتن نبود.

پسرک تنها روی شن ها نشسته بود و با سنگ ریزه ها بازی می کرد. به او نزدیک شد و پرسید تو هم مثل من دوست داری پرواز کنی؟

پسر فلج پاسخ داد: نه ، من دلم می خواهد مثل این بچه ها راه بروم و بدوم.

دوست من می شوی؟ پسرک کنار او نشست و ساعتی را باهم شن بازی کردند و از رویاهایشان حرف زدند.

کمی بعد پدر پسر فلج با صندلی چرخ دار کنار آنها آمد و به او گفت که وقت رفتن است.

پسرک به آرامی به پدر پسر فلج چیزی گفت و پدر هم حرف او را قبول کرد.

پسرک کودک فلج را پشت خود سوار کرد و روی علف ها شروع به راه رفتن کرد و کم کم به سرعت گام های خود افزود. باد به صورت هر دوی آنها می وزید و بازی آنها را مفرح تر می کرد. پسرک به شوق آمده بود و در میان درختان می دوید و کودک فلج هم دستان خود را به اطراف باز کرده بود و می خندید.

پدرش که از دور آنها را نگاه می کرد ، اشک شوق به چهره داشت. کودک فلج در حالی که دست هایش را در هوا تکان می داد رو به سوی پدر فریاد زد: پدر بین من دارم پرواز می کنم. من دارم پرواز می کنم.

## روزه واقعی

<sup>۵</sup> وقتی شما روزه می گیرید ، بدن خود را رنجور و سرهای خود را مثل پره های علف صحرا در برابر باد ، خَم می کنید ، و بستر خود را بر پلاس و خاکستر می گسترانید. آیا این است آنچه را که شما روزه می نامید؟ آیا فکر می کنید من از این نوع روزه خشنودم؟

<sup>۶</sup> «روزه ای که من می پسندم این است: زنجیرهای ستمکاری و یوغهای بی عدالتی را بگسلید ، و بگذارید ستمدیدگان آزاد شوند. <sup>۷</sup> گرسنگان را در غذای خود سهیم کنید ، و در خانه های خود را به روی فقیران و بی خانمان باز کنید. به کسانی که چیزی برای پوشیدن ندارند ، لباس بدهید و از کمک کردن به اقوام خود دریغ نکنید.»

<sup>۸</sup> «در آن صورت ، رحمت من مثل خورشید صبحگاهی بر تو خواهد درخشید ، و زخمهای تو زود شفا خواهند یافت. من همیشه با تو خواهم بود و تو را نجات خواهم داد ، و حضور من تو را از هر جهت حمایت خواهد کرد. <sup>۹</sup> وقتی دعا کنید به شما پاسخ خواهم داد ، و وقتی مرا بخوانید به شما جواب می دهم.»

اگر به ستمگری ، رفتار ناشایست و گفتار زشت خود خاتمه دهید ؛ <sup>۱۰</sup> و اگر گرسنگان را سیر کنید ، و نیاز محتاجان را برآورید ، آنگاه تیره گی های اطراف شما ، به روشنایی نیمروز مبدل خواهد شد <sup>۱۱</sup> در آن صورت همیشه شما را در مکانهای خشک هدایت می کنم و شما را با چیزهای نیکو سیر خواهم کرد. من شما را قوی و سالم نگاه خواهم داشت و شما مثل باغی خواهید بود که آب فراوان دارد ، و مثل چشمه ای که هیچ وقت خشک نخواهد شد. <sup>۱۲</sup> قوم تو در همان جایی که از قدیم ویران شده بود، بر روی بنیادهای قدیمی ، بنایی نو خواهد ساخت. مردم از تو به عنوان کسی یاد خواهند کرد که دیوارهای شهر را دوباره ساخت و خانه های ویران را بازسازی کرد.»

## حقیقت

زاهدی کنار رودخانه نشسته بود و در حال تفکر بود. جوانی به او نزدیک شد و گفت: «ای زاهد ، من می خواهم شاگرد و مرید تو شوم» زاهد رو به جوان کرد و گفت: «چرا؟» جوان پاسخ داد: «چون می خواهم حقیقت را بیابم» زاهد ناگهان پرید ، گردن جوان را گرفت ، او را به طرف رودخانه کشاند و سرش را زیر آب برد.

جوان بالا و پایین می پرید و تقلا می کرد تا از زیر آب بیرون بیاید ، ولی زاهد سرش را محکم زیر آب نگه داشته بود. عاقبت زاهد سر جوان را رها کرد و او را که نفس نفس می زد کمک کرد تا به ساحل برسد. وقتی آرام شد ، زاهد از جوان پرسید: «به من بگو ، وقتی زیر آب بودی چه چیزی را بیش از هر چیز دیگری طلب می کردی؟»

جوان با تعجب گفت: «هوا!»

پس زاهد گفت: «خیلی خوب ، اکنون به خانه ات برگرد و هر وقت حقیقت را به همان اندازه ای که هوا را می خواستی ، طلب کردی ؛ پیش من بیا»

هنگامی که دری از خوشبختی به روی ما بسته میشود، دری دیگر باز می‌شود ولی ما اغلب چنان به در بسته چشم می‌دوزیم که درهای باز را نمی‌بینیم.

«هلن کلر»

همیشه بهترین راه را برای پیمودن می‌بینیم اما فقط راهی را می‌پیماییم که به آن عادت کرده ایم.

«پائولو کوئلیو»

هیچ کس آنقدر فقیر نیست که نتواند لبخندی به کسی ببخشد؛ و هیچ کس آنقدر ثروتمند نیست که به لبخندی نیاز نداشته باشد.

در زندگی از تصور مصیبت‌های بی‌شماری رنج بردم که هرگز اتفاق نیفتادند.

## اخبار و تقویم کلیسایی

- یکشنبه ۱۵ اسفند ۹۵ = ۵ مارچ ۲۰۱۷، یکشنبه دوم روزه.

عهد عتیق: کتاب آفرینش فصل ۵ آیه ۱۹-۳۱

رساله: رومیان فصل ۶ آیه ۱ الی آخر باب

انجیل: متی فصل ۷ آیه ۱۵-۲۷

- دوشنبه ۱۶ اسفند ۹۵ = ۶ مارچ ۲۰۱۷، چهارمین سالگرد جلوس عالی جناب مارلوئیس رافائل ساکو بر

کرسی پاتریارکی کلیسای شرق کلدانی آشوری کاتولیک.

- یکشنبه ۲۲ اسفند ۹۵ = ۱۲ مارچ ۲۰۱۷، یکشنبه سوم روزه.

عهد عتیق: کتاب آفرینش فصل ۷ آیه ۱-۲۴

رساله: رومیان فصل ۷ آیه ۱۴-۲۵

انجیل: متی فصل ۲۰ آیه ۱۷-۲۸

- یکشنبه ۲۹ اسفند ۹۵ = ۱۹ مارچ ۲۰۱۷، یکشنبه چهارم روزه و عید حضرت یوسف.

عهد عتیق: پیدایش فصل ۱۱ آیه ۱-۳۲

رساله: رومیان فصل ۸ آیه ۱۲-۲۷

انجیل: متی فصل ۲۱ آیه ۲۳ الی آخر باب آیه ۴۶

- شنبه ۵ فروردین ۹۶ = ۲۵ مارچ ۲۰۱۷، یادبود مژده دادن به مریم

- یکشنبه ۶ فروردین ۹۶ = ۲۶ مارچ ۲۰۱۷، یکشنبه پنجم روزه

عهد عتیق: پیدایش فصل ۱۶ آیه ۱ الی آخر باب

رساله: رومیان فصل ۱۲ آیه ۱ الی آخر باب

انجیل: یوحنا فصل ۷ آیه ۳۷-۵۲ و فصل ۸ آیه ۱۲-۲۰